

اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال هشتم، شماره ۳۱، پاییز ۱۳۷۹

عوامل مؤثر بر کمیت و کیفیت تولید صنایع دستی مطالعه موردی: زنان عشایر نیمه اسکان یافته مردافزر

فیروزه نواب اکبر، نوذر منفرد، علیرضا رضائی*

چکیده

صنایع دستی یکی از سازوکارهای اقتصادی، به شمار می آید. برای تولید این صنایع، از منابع داخلی استفاده می شود؛ منابعی مانند: نیروی کار، مواد اولیه و ابزارکار که هشتاد درصد تولید را فراهم می کنند. تولید صنایع دستی اثر مستقیم بر درآمد ناخالص ملی دارد و هرگونه افزایش در میزان تولید و بهبود کیفیت، در افزایش آن تأثیر می گذارد.

زنان در جوامع عشایری نقش اقتصادی بسیار مهمی دارند و در این میان زنان عشایر اسکان یافته، به دلیل داشتن وقت بیشتر، در رونق یافتن صنایع دستی نقش مهمتری را ایفا می کنند. بر همین اساس باید گفت که کالاهای حاصل دسترنج زنان نیمه اسکان یافته منطقه

* به ترتیب: عضو هیئت علمی سازمان پژوهشهای علمی و صنعتی (پژوهشکده فارس)، دانشجوی دکتری ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه شیراز و عضو هیئت علمی سازمان پژوهشهای علمی و صنعتی ایران (پژوهشکده فارس)

مردافزر، بویژه گلیم، کمیت و کیفیت بالایی دارد تا جایی که مورد تقاضای بازارهای داخلی و خارجی قرار گرفته است.

این پژوهش در منطقه مردافزر، که در دشت خلیلی افزر بخش قیروکارزین شهرستان فیروز آباد واقع شده، انجام گرفته است. در این منطقه، صنایع دستی تولید شده از سوی زنان به طور عمده گلیم، جاجیم، قالیچه و خوابگاه را دربرمی گیرد. جامعه آماری، کل خانوارهای موجود در منطقه (۵۷ خانوار) را تشکیل می دهد. این پژوهش به روش «پسپاشی» و در دو بخش مشاهده ای و میدانی انجام گرفته و ابزار طرح، پرسشنامه است که از راه مصاحبه، اطلاعات مورد نیاز آن گردآوری شده است. برای اجرای این پژوهش، متغیرهای مستقل مشخصات پاسخگویان و صنایع دستی به کار رفته که آثار این متغیرها بر متغیر وابسته درآمد، هزینه و ارزش افزوده مربوط به صنایع دستی نیز سنجیده شده است. همچنین تجزیه و تحلیل داده ها در دو بخش توصیفی و استنباطی انجام گرفته است.

نتایج آزمونهای آماری، که به دو روش رگرسیون گام به گام و تعیین همبستگی میان متغیرها (ضریب همبستگی اسپیرمن رو و Kendall's Tau c) به دست آمد، نشان می دهد که: ۸۷/۷ درصد خلاقیت طرح و رنگ از «ذهنیات و تجارب شخصی» خودبافندگان برخاسته است؛ ۸۴/۲ درصد پاسخگویان معتقدند که «اسکان» برای بافندگی آنها بهتر است؛ محصولات ۸۲/۵ درصد بافندگان از نوع «درجه یک» است؛ ۷۸/۹ درصد بافندگان از مهارت در حد «بالایی» برخوردارند؛ ۷۵/۴ درصد «گلیم» می بافند و سرانجام ۵۰/۹ درصد، علت بافندگی را «نیاز اقتصادی» اعلام کردند.

میان متغیرهای وابسته مربوط به درآمدها، هزینه ها و ارزش افزوده و همچنین متغیر مستقل گلیمبافی، روابط، معنیدار بوده است. نتایج نشان می دهد که «گلیمبافی»، با وجود نداشتن هزینه چندان برای بافندگان، در «ارزش افزوده»، «درآمد ناخالص خانوار در سال» و «مجموع کل درآمدها» مؤثر بوده است.

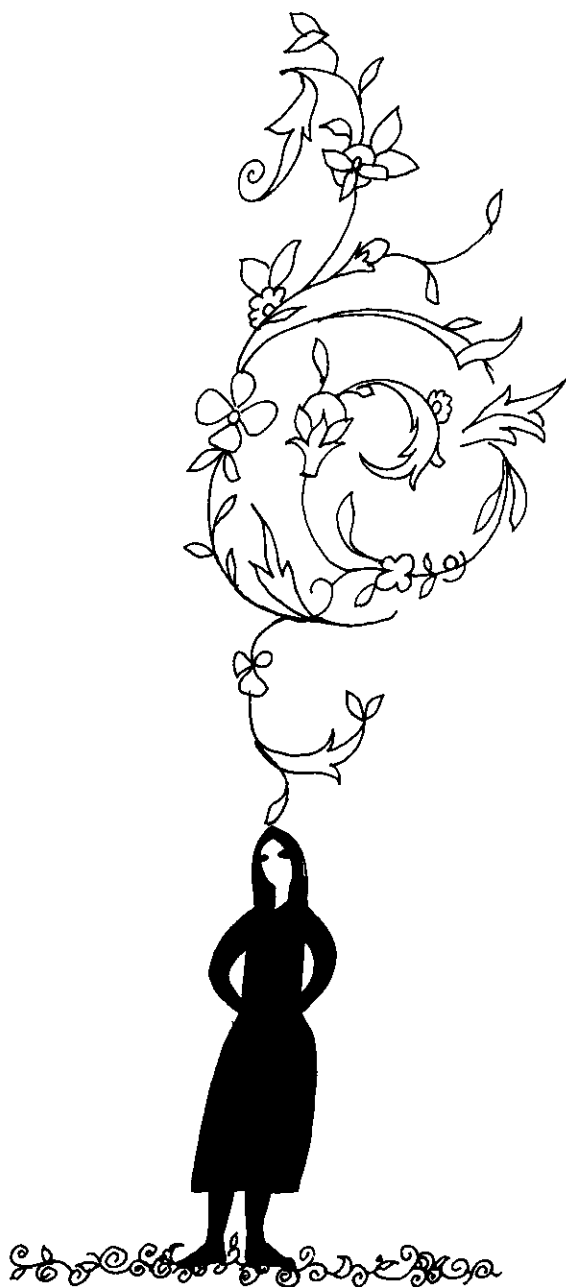
مقدمه

پیشینه زندگی عشایری به شروع زندگی انسان بدوی برمی‌گردد. در آن زمان گروه‌های خویشاوند در دسته‌های بزرگ در پی یافتن غذا از محلی به محل دیگر در حرکت بودند؛ این دوره عصر شکار و دوره جمع‌آوری خوراک نامیده شده‌است و به عصر پیش از تاریخ، حدود هزاره هفتم قبل از میلاد، مربوط می‌شود.

در ایران، از زمانهای دور، سه شیوه زندگی عشایری، روستایی و شهری متداول بوده که میان شیوه‌های پیشگفته، زندگی عشایری به علل گوناگون بیش از دو گونه دیگر دستخوش تغییر و دگرگونی شده‌است. برپایه گفته‌های باستان‌شناسان و مردم‌شناسان، صورتهای مختلف و اولیه اقتصاد مبتنی بر زراعت و دامداری و شکار در حیات ایل، که از کهنترین شکلهای زندگی در این سرزمین به شمار می‌آید، از حدود ۱۰ هزار سال پیش در بخشهایی از سلسله کوههای زاگرس وجود داشته است (۳).

عشایر ایران، به دلیل محدودیت نیازهای خانوار، کوشش می‌کردند تا تمامی مایحتاج خویش را با بهره‌گیری از نیروی انسانی و مواد اولیه تولیدی خود فراهم سازند. با ورود بخشی از کالاهای ساخته شده مورد نیاز عشایر از بیرون ایل، «پول» نقش مهمی در سهولت مبادلات پیدا کرد و در پی آن تولیدات دستی و صنعتی جنبه اقتصادی یافت و به شکل وسیله‌ای برای رفع نیازهای عشایر در مبادله و معاوضه درآمد.

یکی از سازوکارهای اقتصاد عشایری، صنایع دستی و آفرینشهای هنری است و وجود این صنعت در عشایر، از یک سو بخشی از نیازهای داخلی را برآورده کرده و از سوی دیگر برای رفع نیازمندی خانوار، عرضه به بازار را سبب شده که نتیجه این جریان به رفاه نسبی خانوارهای ایل انجامیده است. صنایع دستی عشایری یا به دیگر سخن، هنر بومی، برخاسته از شکل زندگی طبیعی عشایر است. این صنایع به دست زنان هنرمند، در لابه‌لای اوقات اشتغال روزانه‌شان، آفریده می‌شود. زنان در جامعه عشایری (کوچرو، نیمه اسکان و اسکان یافته)، نقش اقتصادی بسیار مهمی دارند؛ از یک سو امور خانه‌داری را انجام می‌دهند و از سوی دیگر وظیفه‌ای



سنگین در دامداری، بویژه در بخش تهیه محصولات و فراوده‌های دامی، به عهده دارند. در شیوه زندگی اسکان یافته، مشقت و کار شبانه روزی زنان نسبت به شیوه زندگی کوچرو کاهش می‌یابد و مشغله آنها مشابه زنان جوامع روستایی و یا شهری می‌شود.

هدفهای تحقیق

هدف کلی از اجرای این طرح عبارت است از: تعیین ارزش افزوده و عوامل مؤثر در کمیت و کیفیت صنایع دستی در میان زنان عشایر نیمه اسکان یافته منطقه مردن‌افزر واقع در دشت خلیلی از بخش قیروکارزین شهرستان فیروزآباد.

هدفهای اختصاصی

هدفهای اختصاصی عبارت است از: تعیین رابطه میان مشارکت در بافندگی، میزان سواد زن بافنده، فصل اشتغال (تولید)، نوع فعالیت، نوع دار، میزان مهارت در بافندگی، میزان وقت صرف شده برای بافندگی، امکانات تولیدی و عوامل تعیین کننده اقتصادی (هزینه، درآمد و ارزش افزوده).

ضرورت اجرای طرح

توسعه اقتصادی، سبب پیدایش نابرابریهایی در مناطق مختلف یک کشور می‌شود که مهاجرت‌های منطقه‌ای از آثار آن است. بر همین اساس صنایع دستی می‌تواند به عنوان عامل بازدارنده مهاجرت‌های فصلی و یا دائمی، نقش مهمی ایفا کند.

برای تولید صنایع دستی، بیشتر از منابع داخلی استفاده می‌شود که می‌توان نیروی کار، مواد اولیه و ابزارکار را به عنوان منابعی نام برد که نزدیک به ۸۰ درصد این تولید را فراهم می‌کنند. در مجموع می‌توان گفت که تولید این صنایع اثر مستقیم بردرآمد ناخالص ملی دارد و هرگونه افزایش در میزان تولید و بهبود کیفیت، تأثیر مستقیمی برافزایش درآمد ناخالص ملی

می‌گذارد. مواد اولیه‌ای مانند پشم، کرک و دیگر موارد، در صورت تبدیل به صنایع فرش، گلیم، جاجیم، گبه و غیره ارزش چند برابری پیدا می‌کند که این ارزش در صورت صدور نیز چند برابر می‌شود.

مواد و روشها

نوع تحقیق

برای انجام این پژوهش از روش «پیمایشی» استفاده شده است. زنجانی‌زاده (۱۳۷۰) درباره تحقیق «پیمایشی» گفته است: «پژوهشی است که در محل صورت می‌گیرد و داده‌های مورد نظر را پژوهشگر در آنجا، از طریق پرسشنامه و مصاحبه تهیه می‌کند. این تحقیق در مدت طولانی و صرفاً مقطعی است و داده‌ها توسط خود پژوهشگر به دست می‌آید. این روش تحقیق در پژوهشهای کاربردی استفاده زیادی دارد.»

در این پژوهش عوامل مؤثر در کمیت و کیفیت صنایع دستی در میان زنان عشایر اسکان یافته منطقه مرندافزر بررسی و ارزش افزوده این صنایع تعیین شده است.

جامعه مادر و نمونه

جامعه مادر این پژوهش، ۵۷ خانوار نیمه اسکان یافته واقع در مرندافزر را، که زیر پوشش طرح اسکان خود جوش اداره کل امور عشایرند، دربرمی‌گیرد. پس از مشخص شدن جامعه مادر، تعیین حجم نمونه (۵۷ خانوار)، یعنی همان جامعه مادر، انجام گرفت. به منظور مصاحبه با نمونه‌ها، از هر خانوار یک زن بافنده به طور تصادفی انتخاب و با وی مصاحبه شد. به دیگر سخن، زن و دختر برگزیده از هر خانوار، نمونه‌ای از جامعه بافندگان این منطقه را تشکیل می‌دهد.

ابزار تحقیق

با انجام مطالعه مقدماتی و مشورت با صاحب‌نظران و اساتید و کارشناسان امور عشایر، پرسشنامه یا به تعبیر دیگر ابزار تحقیق، طراحی شد. پرسشنامه دربرگیرنده ۹۶ سؤال بسته و باز در هفت بخش است. پس از اصلاح چندین باره با صلاحدید صاحب‌نظران، تغییرات مورد نیاز اعمال و پرسشنامه نهایی تهیه شد. سپس روایی و اعتبار بخشیدن به پرسشنامه و پس از آن مرحله میدانی انجام گرفت. اطلاعات این مرحله از دو راه مشاهده‌ای و مصاحبه‌ای، گردآوری شد که این کار نزدیک به پنج ماه طول کشید.

متغیرهای تحقیق

متغیرهای این پژوهش، که براساس هدفها و فرضیه‌های تحقیق تعیین شد، متغیر مستقل و متغیر وابسته را دربرمی‌گیرد. متغیر وابسته بخشهای مربوط به «درآمد» صنایع دستی و بخشهای مربوط به «هزینه‌های» این صنایع است و متغیرهای مستقل پژوهش نیز عبارت است از: عوامل مربوط به مشخصات فردی (سواد) و مشخصات مربوط به صنایع دستی (عوامل فنی، اقتصادی، فرهنگی و نهادی).

روشهای آماری تجزیه و تحلیل اطلاعات

با توجه به ماهیت این پژوهش، از دو روش آماری توصیفی و تحلیلی (استنباطی) برای بررسی و تجزیه و تحلیل داده‌ها بهره‌گیری شد.

پس از تکمیل پرسشنامه‌ها از راه مصاحبه، نخست، داده‌های موجود در آنها شماره‌گذاری شد سپس به منظور تجزیه و تحلیل آنها، نرم‌افزار Spss/PC+ به کار رفت.

در بخش آمار توصیفی، دسته‌بندی داده‌هایی که مورد نیاز بود انجام گرفت؛ سپس با بهره‌گیری از تمامی داده‌ها، تهیه کردن جدولهای توزیع فراوانی انجام پذیرفت. نمودارها نیز با استفاده از نرم‌افزار Quatro - Pro رسم و تجزیه و تحلیل شد.

در بخش آمار استنباطی، با استفاده از ضرایب همبستگی، با هدف تعیین اثر هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته، عملیات لازم انجام گرفت. در بخش مشاهده‌ای، یادداشت برداری نتایجی که پژوهشگر و همکاران تحقیق طی اجرای طرح در محیط با آن روبه‌رو شدند، انجام پذیرفت. این مشاهدات شخصی، در لابه‌لای گزارش طرح، در جای خود، از قلم نگارنده توصیف شده‌است.

مشاهدات و نتایج

اطلاعات، به شکل کلی و در چارچوب آمار توصیفی بوده و فراوانی و درصد فراوانی را که به صورت جدول دوبعدی ترسیم شده، در برگرفته است. همچنین در این پژوهش، با بهره‌گیری از آزمونه‌های غیر پارامتریک (استنباطی)، از بررسی همبستگی میان متغیرها استفاده شده‌است.

آزمونه‌های آماری به کار رفته در این پژوهش عبارت است از:

۱. تعیین همبستگی (Correlation)

۲. استفاده از ضریب همبستگی اسپیرمن‌رو و Kendall, s Tau c

میزان سواد زن

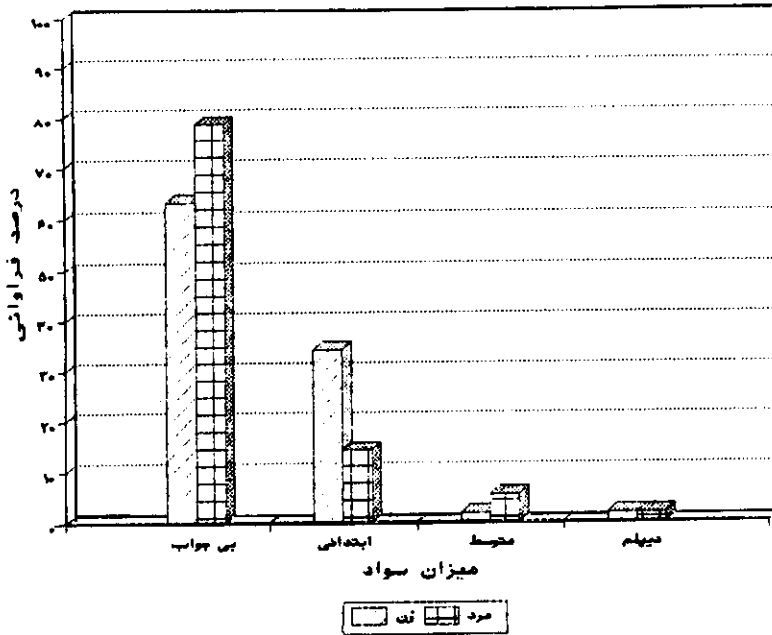
میزان سواد بیشتر زنان مصاحبه شده تا «کلاس پنجم ابتدایی» و درصد آنها برابر ۳۱/۸ است (نمودار شماره ۱).

مشخصات صنایع دستی

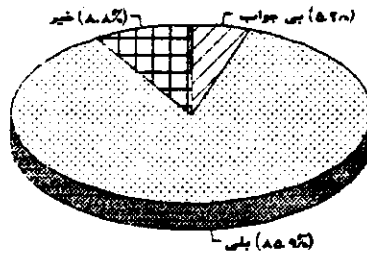
مشارکت در تولید صنایع دستی

بیشتر پاسخگویان (۸۵/۹ درصد) اظهار داشتند که در «خانه» به کار تولید صنایع دستی مشغولند. عدد ذکر شده گویای آن است که اکثر زنان و دختران منطقه مردافزر به جز کار خانه داری و اشتغال فراوان در روز، به امر بافندگی نیز اشتغال دارند. البته این مسئله یکی از

ویژگیهای بارز زنان ایل قشقایی به شمار می آید چرا که حتی افراد مهاجر به شهر نیز به کار پیشگفته می پردازند؛ از این روست که پس از گذشت سالها، زنان یاد شده، از راه نقش زدن بر دار و خلاقیت نقشهای متنوع، هنوز هم حرفی برای گفتن دارند (نمودار شماره ۲).



نمودار شماره ۱. درصد فراوانی میزان سواد

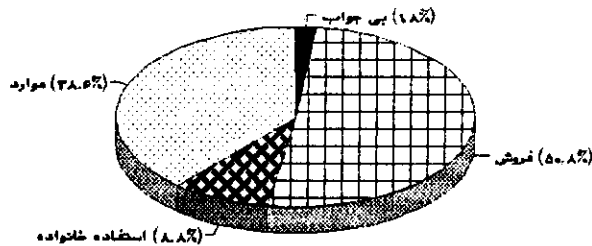


نمودار شماره ۲. مشارکت در تولید صنایع دستی

علت مشارکت در تولید صنایع دستی

از زنان عشایر علت تولید صنایع دستی پرسیده شد؛ پاسخگویان با ارقام گفتند که این کار به دلیل «نیاز اقتصادی است و برای فروش» به کار بافندگی می‌پردازند (۸/۵۰ درصد جامعه آماری پژوهش). پس از این مورد، ۶/۳۸ درصد پاسخگویان اعلام کردند که بافندگی آنها «هم به دلیل نیاز اقتصادی و فروش و هم برای استفاده خانواده» است.

آمار نشان داد که بیشترین جمعیت، به دلیل شرایط اقتصادی خانوار و نیاز مادی، این کار را انجام می‌دهند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که دامنه کار یاد شده از حیثه خانواده و هنر فراتر رفته و وارد حوزه اقتصاد شده است که خود می‌تواند منبعی برای درآمد و عاملی برای امرار معاش باشد (نمودار شماره ۳).

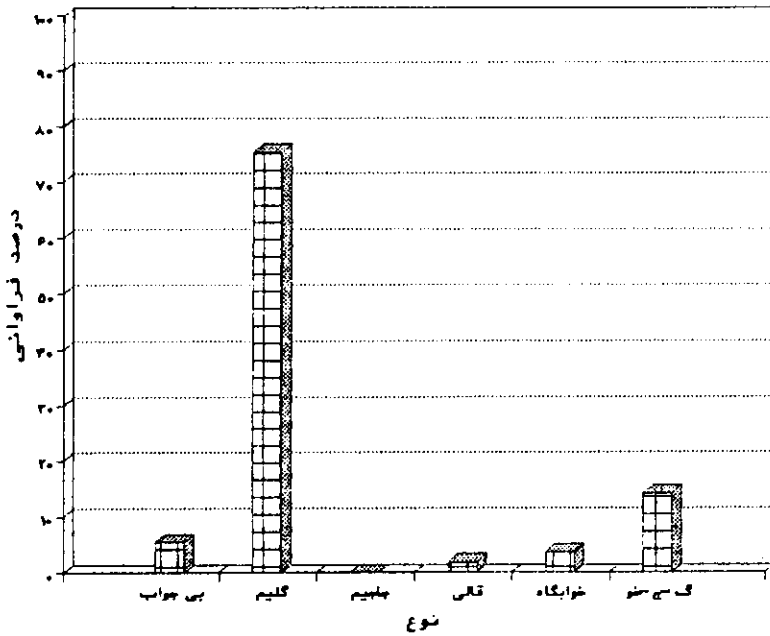


نمودار شماره ۳. علت مشارکت در تولید صنایع دستی

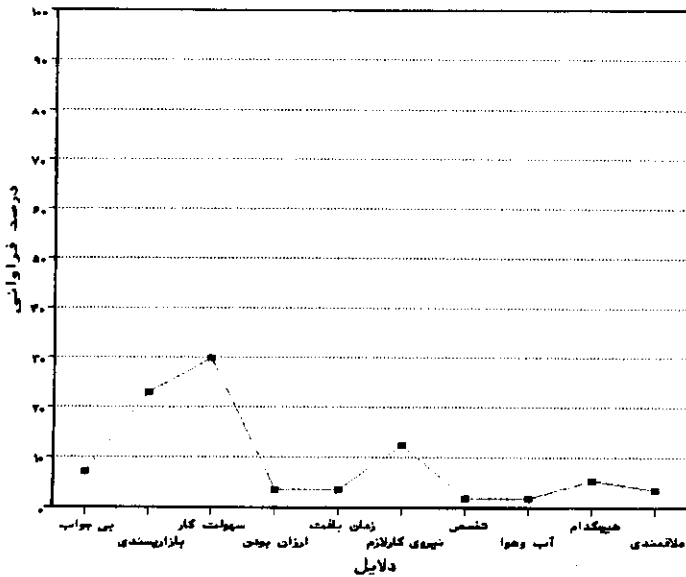
تمایل به تولید بافندگی و دلیل انتخاب آن

در رابطه با پرسش «با تولید کدامیک از صنایع دستی بیشتر موافقت می‌کنید»، ۴/۷۵ درصد، بیشتر با تولید «گلیم، جاجیم و خوابگاه» موافق بودند. (نمودار شماره ۴). از کسانی که بیشتر

گلیمبافی داشتند دلیل این کار پرسیده شد که در پاسخ ۲۹/۸ درصد گفتند گلیمبافی برای آنها «آسانتر و راحت تر» است و «مهارت بیشتری» در این کار دارند؛ ۲۲/۸ درصد نیز اعلام کردند که کار یاد شده به دلیل «داشتن بازار خوب و داشتن مشتری» انجام می گیرد. به دیگر سخن، «درآمد بهتری» دارد. همچنین ۱۲/۳ درصد اظهار داشتند که «تنها گلیمبافی را بلدند» (نمودار شماره ۵).



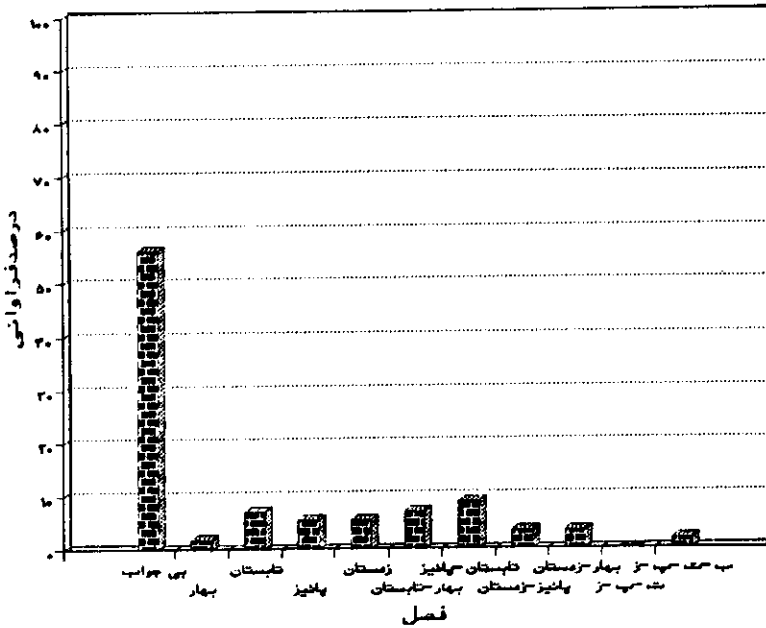
نمودار شماره ۴. درصد فراوانی انواع صنایع دستی



نمودار شماره ۵. دلیل انتخاب نوع صنعت

فصل اشتغال به کار صنایع دستی

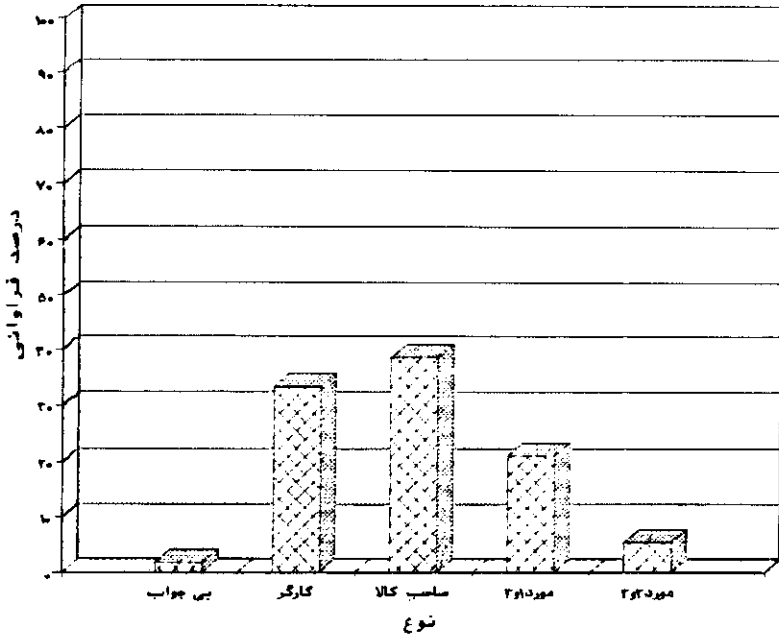
در مورد فصلهایی که زنان به کار بافندگی مشغول اند باید گفت که ۲۸/۱ درصد در فصل «پاییز و زمستان»، ۲۶/۳ درصد در فصل «زمستان» و ۱۲/۳ درصد نیز در «چهار فصل» به کار بافندگی می‌پردازند (نمودار شماره ۶).



نمودار شماره ۶ فصل اشتغال به کار صنایع دستی

نوع فعالیت در تولید صنایع دستی

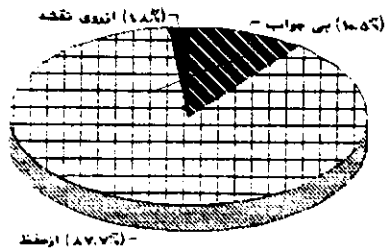
در زمینه نوع فعالیت بافنده‌ها، ۳۸/۶ درصد پاسخ‌دهندگان بیان داشتند که خودشان «صاحب کالا» بند و خود نیز کالای خویش را می‌فروشند و ۳۳/۳ درصد گفتند که «کارگر»ند؛ این گروه از افراد یا برای سازمان صنایع دستی و یا برای واسطه‌هایی که به محل آنها مراجعه می‌کنند، به کار می‌پردازند و مزد می‌گیرند (نمودار شماره ۷).



نمودار شماره ۷. نوع فعالیت در تولید صنایع دستی

طرح و رنگ به کار رفته در صنایع دستی

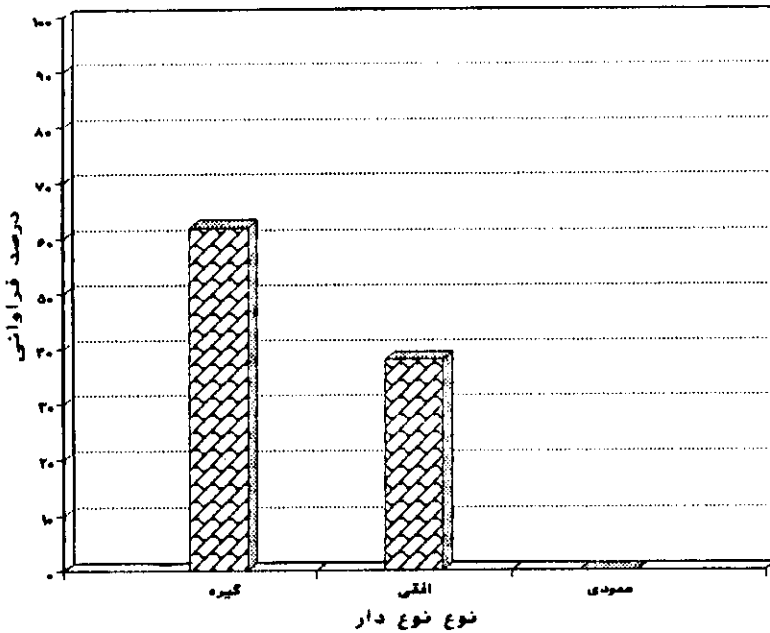
در زمینه نوع طرح به کار رفته، بالاترین درصد به افرادی مربوط می شود که از «حفظ» طرحها را اجرا و آنچه زاییده ذهن و خلاقیتشان است بر روی گلیم پیاده می کنند (۸۷/۷ درصد). همچنین ۱/۸ درصد نیز اظهار داشتند که طرح به کار رفته را «از روی نقشه» پیاده کرده اند. در زمینه انتخاب رنگ، صد درصد پاسخگویان، انتخاب رنگ را به «سلیقه شخصی خود» دانسته اند. در اینجا می توان گفت که طرح به کار رفته و رنگ آمیزی، زاییده تخیل و ذهن بافنده و به سلیقه شخصی وی بوده است؛ در واقع نوعی نوآوری به شمار می رود که در یک زمان خاص و تنها یکبار پیاده می شود، از همین روست که هر قطعه بافته شده، رنگ، طرح و حال و هوای ویژه خود را دارد. به دیگر سخن می توان گفت که اثری هنری، خلق شده است (نمودار شماره ۸).



نمودار شماره ۸. روش به کارگیری طرح در صنایع دستی

نوع دار

بر پایه مشاهدات، ارقام نشان می‌دهد که بیشتر زنان بافنده حوزه تحقیق (۴/۶۱ درصد)، از داری سنتی به نام «گیره» استفاده می‌کنند. این نوع دار از چارچوبی به جنس چوب، که به وسیله میخ به زمین نصب می‌شود، تشکیل شده‌است و استحکام و دوام چندانی ندارد؛ پاسخگویان نیز در واقع به دلیل نداشتن توان مالی ناگزیرند از آن استفاده کنند. همچنین ۶/۳۸ درصد بافندگان دار دیگری به نام «دار افق» را به کار می‌برند. این دار از چارچوبی فلزی تشکیل می‌شود و کار با آن آسانتر است (نمودار شماره ۹).



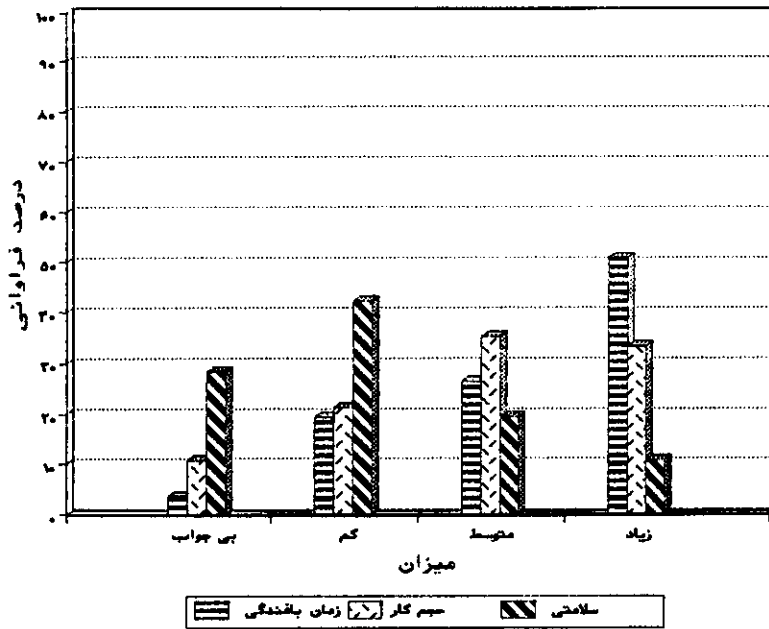
نمودار شماره ۹. استفاده از انواع دار

زمان بافندگی، حجم کار و میزان سلامت بافندگان

در زمینه انجام کارها در خانه، بیشترین جمعیت (۵۰/۹ درصد) اظهار داشتند که «کمبود وقت» دارند. اگر چه زنان (چه متاهل و چه مجرد) در طی روز به کارهای خانه اشتغال دارند، ولی سنگینی کارهای خانه هیچگاه سبب توقف امر بافندگی آنها نمی شود.

در زمینه حجم کار، ۳۵/۱ درصد از پاسخگویان کار خود را در خانه «متوسط» و ۳۳/۳ درصد دیگر «زیاد» دانسته اند.

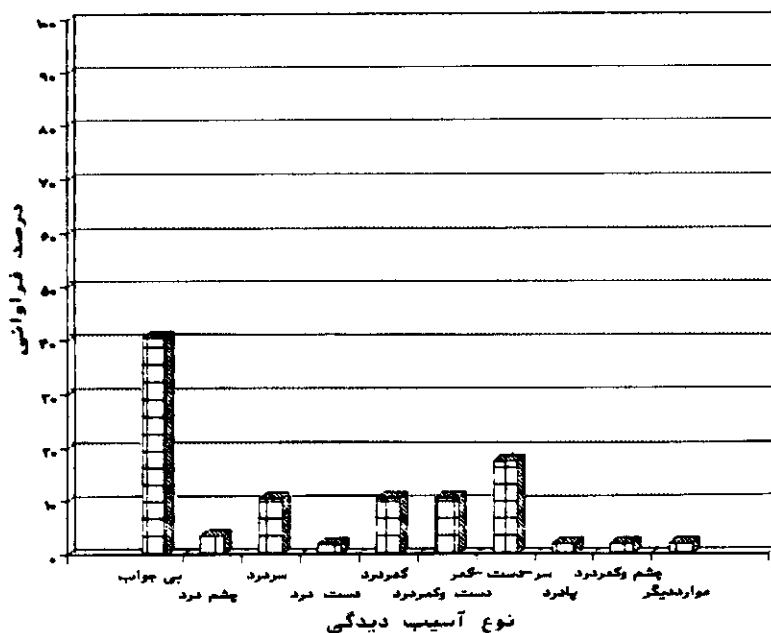
خوشبختانه، جامعه آماری تحقیق، سلامت در حد «بالایی» داشته است. در این باره ۴۲/۱ درصد افراد اظهار کرده اند که ناتوانی آنها در حد «کمی» است. دلیل این امر امکان دارد به جوان بودن جامعه یاد شده مربوط باشد (نمودار شماره ۱۰).



نمودار شماره ۱۰. زمان و حجم کار بافندگی و سلامتی

آسیب در صنایع دستی

بیشتر مصاحبه شوندگان (۱۷/۵ درصد) از ناراحتیهای «سر، دست و کمر» رنج می‌برند و پس از آنها افرادی (۱۰/۵ درصد) هستند که به ناراحتیهای «دست و کمر» مبتلایند (نمودار شماره ۱۱).

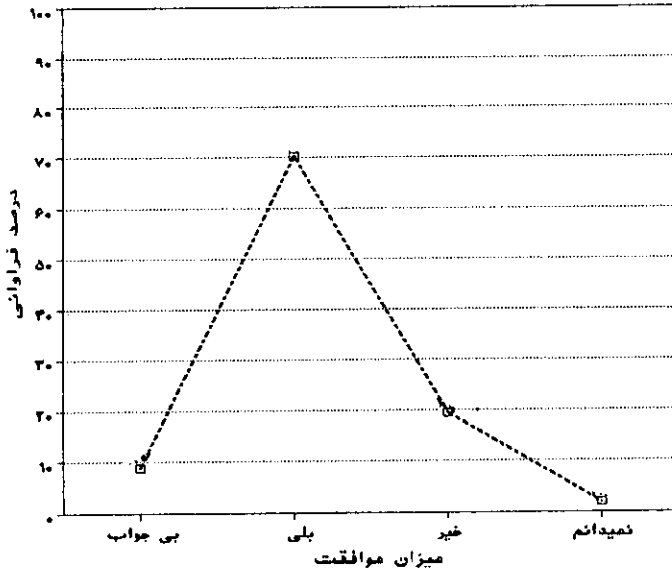


نمودار شماره ۱۱. درصد آسیب دیدگی در تولید صنایع دستی

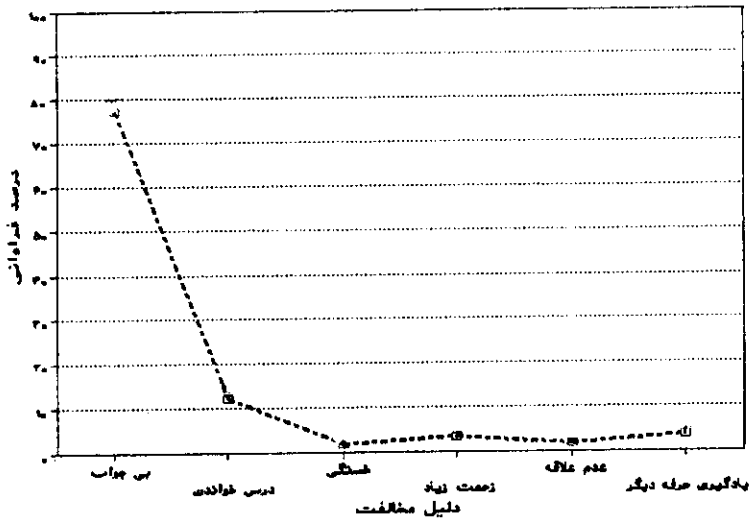
توافق با اشتغال فرزند دختر و علت مخالفت با اشتغال در صنایع دستی

در ارتباط با این پرسش که آیا موافقید دخترتان (در صورت مجرد بودن وی و همچنین اگر در آینده صاحب فرزند دختر شدید) مانند شما هنر بافندگی را بیاموزد؟ ۷۰/۲ درصد و ۱۹/۳ درصد پاسخگویان به ترتیب «موافق» و «مخالف» این مسئله بودند و ۱/۸ درصد آنها نیز پاسخ دادند «منی دانم»؛ همچنین ۸/۸ درصد پاسخی برای این پرسش نداشتند (نمودار شماره ۱۲).

از افراد «مخالف» با ادامه کار بافندگی در نسل بعد، علت مخالفت پرسیده شد که در این زمینه ۷۷/۲ درصد هیچ گونه پاسخی ندادند و ۱۲/۳ درصد نیز گفتند که مایلند فرزندشان «درس بخواند». همچنین ۳/۵ درصد علت اصلی را «زحمات زیاد بافندگی» ذکر کردند (نمودار شماره ۱۳).



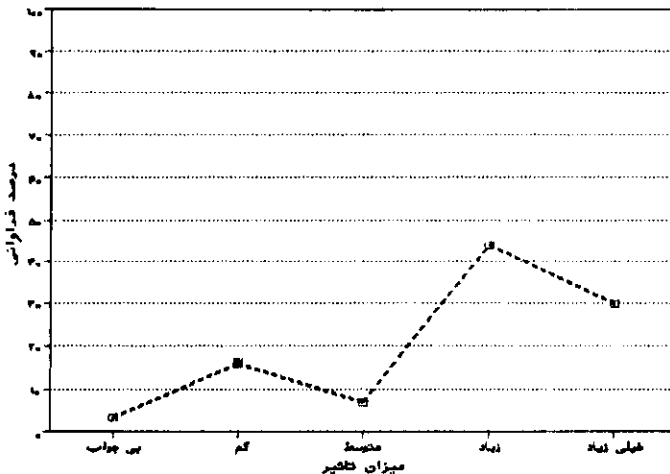
نمودار شماره ۱۲. موافقت با بافندگی دختر



نمودار شماره ۱۳. دلایل مخالفت با بافندگی دختر

تأثیر صنایع دستی بر اقتصاد خانوار

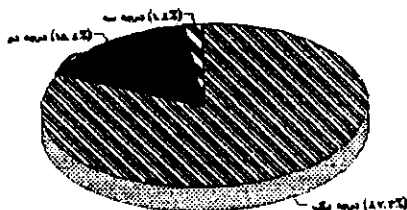
۴۳/۹ درصد افراد معتقدند که صنایع دستی بر اقتصاد خانوار اثر «زیاد» دارد. همچنین ۲۹/۸ درصد، این اثر را «خیلی زیاد» و ۷ درصد، اثر پیشگفته را «متوسط» می‌دانند. به دیگر سخن، بیشتر مصاحبه شوندگان معتقدند تولید صنایع دستی بر اقتصاد خانوار «خیلی مؤثر» است (نمودار شماره ۱۴).



نمودار شماره ۱۴. اثر بافندگی بر اقتصاد خانوار

کیفیت صنایع دستی

درجه بندی کیفیت کالای نزدیک به ۸۲/۵ درصد از مصاحبه شوندگان، جزء «درجه یک» به شمار می‌آید. رقم پیشگفته، بر این ادعا تأکید می‌کند که صنایع دستی تولید شده از سوی زنان این منطقه، کیفیت بالایی دارد (نمودار شماره ۱۵).



نمودار شماره ۱۵. درجه بندی و میزان کیفیت صنایع دستی

تعیین ضریب همبستگی

میان متغیرهای مستقل اسمی، ترتیبی و متغیرهای وابسته که طبقه بندی شدند، از ضریب همبستگی اسپرمن رو و ضریب Kendall's Tau c استفاده شده است. تجزیه و تحلیلها نشان می دهد که ضرایب همبستگی در نظر گرفته شده تمامی متغیرهای مستقل و وابسته، معنیدار است. به سخن دیگر، متغیرهای درآمد، هزینه و ارزش افزوده با متغیر گلیمبافی رابطه دارند.

از میان متغیرهای مستقل، متغیرهایی برگزیده شد که در رابطه با گلیمبافی بود؛ زیرا با توجه به نتایج بخش آمار توصیفی، ۷۵/۴ درصد از زنان و دختران، این صنعت را، که رایجترین نوع صنعت در میان آنهاست، پیشه خود کرده اند.

بحث و نتیجه گیری

در این مطالعه نیمی از مصاحبه شوندگان در گروه باسوادان قرار دارند و بیشترین آنها (۷۵/۴ درصد) «گلیمباف» هستند. میزان مشارکت در تولید صنایع دستی زنان نیز در صد بالایی

۸۶ درصد) است و دلیل عمده تولید این صنایع (۵۰/۸ درصد) «نیاز اقتصادی» اعلام شد. تمایل به تولید صنایع دستی و بافندگی نیز در زنان این منطقه در حد بالایی است و بیشتر آنها (۲۹/۸ درصد) به بافت «گلیم» مایل‌اند. علت اصلی این امر «آسانتر و راحت‌تر» بودن گلیمبافی و داشتن «مهارت» بیشتر در بافت آن اعلام شد.

زنان بافنده منطقه مرندافزر بیشتر در فصل «پاییز و زمستان» به امر گلیمبافی می‌پردازند. همچنین در زمینه طراحی نقش، رنگ و نوع بافت باید یادآور شد که این کار به میزان اندکی از سوی بافندگان انجام می‌گیرد. در این زمینه نتایج نشان می‌دهد که طرحها و رنگها، براساس سلیقه شخصی زنان هنرمند است. درباره‌ی دار نیز باید گفت که نوع دار به کار رفته بیشتر از نوع سنتی (۶۱/۴ درصد) است و «گیره» نام دارد. همچنین باید یاد آور شد که بیشتر پاسخگویان (۴۳/۹ درصد) اعتقاد داشتند تولید صنایع دستی بر اقتصاد خانواده تأثیر «زیادی» دارد.

تولید صنایع دستی (بویژه گلیمبافی) در منطقه مورد تحقیق، تأثیر معنیداری بر بخشهای درآمد، هزینه و ارزش افزوده دارد. به دیگر سخن، می‌توان گفت با وجودی که تولید صنایع دستی هزینه‌های چندانی برای تولیدکننده ندارد، بیشترین و گرانترین عامل در این فرایند، نیروی کار به شمار می‌آید که باعث پدید آمدن ارزش افزوده می‌شود. تولید گلیم همچنین بر درآمد ناخالص سالانه خانوار، اثر معنی‌دار و بر درآمد سالانه به دست آمده از تولید صنایع دستی، اثر مستقیم دارد. همچنین گلیمبافی دارای رابطه معنیداری با مجموع کل درآمدهاست و بر مجموع کل هزینه‌ها و ارزش افزوده نیز اثر دارد. گلیمبافی بر میزان درآمد حاصل از صنایع دستی اثر مستقیمی دارد و بر درآمد خالص سالانه به دست آمده از صنایع دستی نیز مؤثر است.

سراخام به طور خلاصه می‌توان گفت که تولید صنایع دستی بر میزان درآمد ناخالص سالانه خانوار، هزینه‌ها و ارزش افزوده اثر بسزایی دارد.

پیشنهادها

۱. بهتر است با توجه به محدود بودن تعداد خانواده‌ها، مقدماتی فراهم آید تا دار افق فلزی در اختیار بافندگان قرار گیرد و جایگزین دارسنتی (گیره) شود.
- لازم است گفته شود که از نظر اصولی، استفاده از دار عمودی صحیح‌تر است، ولی عشایر به دلیل حرکت از ییلاق به قشلاق و برعکس، چادرنشینی و نداشتن کارگاه و نیاز به میدان دید وسیع، استفاده از دار عمودی را نمی‌پذیرند. گرچه، کار بر روی دار افق پیامدهای فراوانی از نظر سلامت بافندگان دارد که خود مبحثی جداگانه برای پژوهش است.
۲. با توجه به فصل بافندگی (پاییز و زمستان) و سردی هوا، باید در محل مورد نظر، جهت اسکان، کارگاهی برای بافندگی افراد پیشبینی شود.
۳. با توجه به بالا بودن کیفیت کار بافندگی، باید از راه ایجاد تعاونی، مواد اولیه به آسانی در دسترس بافندگان قرار گیرد و قیمت خرید برای افرادی که صاحب کالا هستند تضمین شود. همچنین کارفرما باید دستمزد بیشتری به کارگران پرداخت کند.
۴. به دلیل تأثیر فراوان تولید صنایع دستی بر ارزش افزوده و عوامل دیگر اقتصادی، باید این امر در تمامی جنبه‌ها (با توجه به بالا بودن انگیزه بافندگان) مورد توجه ویژه قرار گیرد. در برنامه‌ریزی‌های آینده توجه به این مسئله سبب خودبسندهی در بخش اقتصاد بدون نفت خواهد شد.

منابع

۱. اکبری، فاطمه. گلیم قشقایی، سازمان صنایع دستی، بهار ۱۳۷۴.
۲. احسانی، فروغ. مسئله جنسیت و تأثیر آن بر تولیدات کشاورزی، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۱۶، زمستان ۱۳۷۵، ص ۱۴۱.
۳. الویا، رستریور و ن، افشار. نظری به ایلات - مسئله اسکان، موسسه پژوهشهای دهقانی و روستایی ایران، وزارت کشاورزی، ۱۳۶۳.
۴. تقوی بقالی، نسرین. دست بافتهای عشایر قشقایی (گلیمهای قشقایی)، دانشکده هنر، دانشگاه الزهرا، ۱۳۷۴، ص ۱۳.
۵. ترک نژاد، احمد. سیستمهای کشاورزی متحرک، مجله جهاد، شماره ۱۹۴، فروردین ۱۳۷۶، ص ۳۶.
۶. جهانبخش، باقر. فرش ایران، وزارت صنایع، سازمان صنایع دستی ایران، آذر ۱۳۷۱.
۷. جهانگرد، اسفندیار. نقش صنایع روستایی در اقتصاد ایران، مجله جهاد (ماهنامه علمی توسعه و ترویج روستایی و کشاورزی)، شماره ۱۹۰-۱۹۱. سال شانزدهم، مهر و آبان ۱۳۷۵، ص ۸۸.
۸. حسن آقائی، امیر بهمن. بررسی و مقایسه عوامل مؤثر بر اسکان عشایر تیره‌های نمدی شبانکاره طایفه عمله. ایل قشقایی، بی تا.
۹. حسن بیگی، م. مروری بر صنایع دستی ایران، صنوبر، ۱۳۶۵، ص ۴۰.
۱۰. حبیبی فهلیانی، حسن. مسمی در گذرگاه تاریخ. ص ۳۸۱.
۱۱. رحیمی، یحیی. نگاهی بر ایل قشقایی (کمبود امکانات، ایلات را به اسکان می‌کشاند)، روزنامه عصر، شماره ۴۵۹، پنجشنبه ۸ آبان ۱۳۷۶، ص ۳.
۱۲. رحیمی، یحیی. نگاهی به ایل قشقایی (عمر چادرنشینی رو به پایان است)، روزنامه عصر، شماره ۴۶، شنبه ۱۰ آبان ۱۳۷۶، ص ۳.
۱۳. سازمان امور عشایر. مختصری از آمار و اطلاعات جامعه عشایری فارس، ۱۳۷۴، ص ۲.

۱۴. سازمان برنامه و بودجه، سیای فارس - شهرستان فیروزآباد، نشریه شماره ۹-۷۵، بی تا.
۱۵. سازمان برنامه و بودجه استان فارس، پویش، بررسیهای اجتماعی - اقتصادی، سال اول، شماره ۴، ۱۳۷۵.
۱۶. سازمان برنامه و بودجه استان فارس. مجموعه مقالات اقتصادی و اجتماعی، ویژگیهای اجتماعی و اقتصادی عشایر اسکان یافته استان فارس، شماره ششم، تابستان ۱۳۷۰.
۱۷. شهبهانی، سهیلا. چهار فصل آفتاب، زندگی روزمره عشایر اسکان یافته ممسنی، انتشارات توس، ۱۳۶۶.
۱۸. صدر، سید محمود. گلیمبانی، وزارت صنایع، سازمان صنایع دستی ایران، ۱۳۶۳.
۱۹. صنعت روستایی و توسعه اقتصادی، زمینه، سال سوم، شماره ۲۳، ۱۳۷۲.
۲۰. صوراسرافیل، شیرین. استاندارد مواد اولیه فرش دستباف، شماره ۱۹۵، سال هفدهم، اردیبهشت ۱۳۷۶، ص ۶۲.
۲۱. طیبی، حمشت اله. مبانی جامعه شناسی و مردم شناسی ایلات و عشایر (نمونه های موردی عشایر کرد)، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۱، ص ۱۷۲.
۲۲. غفاری، هیبت اله. ساختارهای اجتماعی عشایر بویر احمد، نشر نی، ۱۳۶۸، ص ۲۱۹.
۲۳. کیاوند، عزیز. حکومت، سیاست و عشایر، انتشارات عشایری، ۱۳۶۸.
۲۴. مردوخی، بایزید. صنایع روستایی ایران، بررسی وضعیت شرایط توسعه، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، وزارت کشاورزی، شماره ۳، ۱۳۷۲.
۲۵. مظفری، زهرا. گذری بر قالی قشقایی، سازمان صنایع دستی، ۱۳۶۸.
۲۶. منفرد، نوذر. پیامد پذیرش تکنولوژی بین زنان برنج کار، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، ۱۳۷۴.
۲۷. ورجاوند، عزیز. روش بررسی و شناخت کلی ایلات عشایر، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، ۱۳۴۴، ص ۷۹.
۲۸. وزارت جهاد سازندگی، صنایع روستایی و نقش آن در توسعه کشور، مجله جهاد، تیر ماه

۱۳۷۴.

۲۹. وزارت کشاورزی، در عرصه بهره‌وری و توسعه، اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال چهارم، شماره ۱۶، زمستان ۱۳۷۵، ص ۱۰۷.
۳۰. وزارت جهاد سازندگی، صنایع روستایی و نقش آن در توسعه ایران در سال ۱۳۵۰، مجله جهاد، دیماه ۱۳۴۹.
۳۱. وزارت اقتصاد، مرکز صنایع دستی ایران، طرح بهبود و افزایش تولید صنایع دستی ایران در سال ۱۳۵۰، دیماه ۱۳۴۹.
۳۲. هشتری، راهبردهای مناسب برای ساماندهی زندگی عشایر کوچنده، سال ششم، شماره ۱۴۴۶، ۹ دیماه ۱۳۷۶، ص ۷.
۳۳. هشتری، یکجانشینی تیرخلاص عشایر کوچنده، سال ششم، شماره ۱۴۴۹، ۱۳ دی، ۱۳۷۶، ص ۷.
۳۴. هشتری، ۲۸ اردیبهشت ۱۳۷۷، ص ۱۴.